

## پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی

در این مقاله، چگونگی پیوند و تعامل بین دو سازه اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی مورد توجه است و به ابعاد مفهومی و نظری این دو سازه در نوشتارهای علوم اجتماعی توجه شده است. همچنین، چگونگی تأثیر و تعامل بین اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در قالب تمکیک بین بان فراغت شخصی و جمع‌گرایانه و نیز سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی بررسی شده و با تحلیل ثانویه داده‌های تجربی موجود در مورد جوانان ایرانی، چگونگی پیوند بین دو سازه یاد شده مورد بررسی آماری قرار گرفته است.

در مجموع، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند جوانانی که زمان فراغت خود را بیشتر در فعالیتهای فراغتی جمع‌گرایانه صرف می‌کنند در مقایسه با جوانانی که زمان فراغت آنها بیشتر با فعالیتهای شخصی سپری می‌شود از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند - هر چند که وجود سرمایه اجتماعی مناسب در جامعه، خود بستر و فرصتی برای شکل‌گیری و گسترش فعالیتهای فراغتی جمع‌گرایانه در مکان‌های عمومی یا سوم، در قیاس با فعالیتهای فراغتی خصوصی (شخصی می‌شود، از طرفی حضور در این اماکن در صورتی که از شرایط و قابلیت‌های لازم برخوردار باشند، به باز تولید و تقویت شاخص‌ها و اجزای سازنده سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، زمان فراغت، فراغت شخصی، فراغت جمع‌گرایانه، مکان سوم

غلامرضا غفاری

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

ghalfary@ut.ac.ir

## مقدمه

در اهمیت زمان فراغت، از حیث فردی و اجتماعی، همین بس که این موضوع از زمان‌های قدیم تا به امروز اندیشه متفکران جدید و قدیم را به خود معطوف داشته است؛ چنان که سقراط زندگی را به دو بخش زمان کار و زمان استراحت تقسیم می‌کرد و مهم‌تر اینکه زمان کار را به عنوان وسیله‌ای در خدمت زمان استراحت و تفریح می‌دانست. فیلسوفان؛ حکمای دیگر نیز موضوع فراغت را از نظر دور نداشته‌اند و در دوره جدید با سهم و نقشی که علوم اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده‌اند، موضوع فراغت و پیوند آن با دیگر سازه‌ها و مفاهیم اجتماعی قوت بیشتری یافته است؛ به گونه‌ای که در مطالعات فرهنگی معاصر، چگونگی گذران اوقات فراغت به عنوان مشخصه‌ای برای مطالعه سبک زندگی دانسته شده است. اندیشمندان اجتماعی، زمان را به عنوان بعدی از حیات اجتماعی، زمینه‌ساز و بستر مهمی برای تمامی الگوها و مناسبات اجتماعی دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون زمان به بخش جدایی‌ناپذیر هر واقعیت اجتماعی انسانی تبدیل شده است. (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵: ۲۲) در این میان، کم و کیف زمان فراغت، چگونگی استفاده و بهره‌گیری از این زمان و کارکردهای آشکار و پنهان آن زمینه تازه‌ای را برای بررسی متفکران و پژوهشگران اجتماعی فراهم ساخته است؛ از جمله طرح پرسش‌های متعددی درباره رابطه زمان فراغت با دیگر سازه‌ها و متغیرهای اجتماعی که چگونگی رابطه بین اشکال مختلف زمان فراغت با سازه سرمایه اجتماعی در این مقاله بررسی شده است.

## زمان فراغت و سرمایه اجتماعی

عالمان اجتماعی در تعریف مفهوم زمان فراغت دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح ساخته‌اند. فراغت از حیث لغوی با عباراتی همچون آسودگی، آسایش، آسوده‌شدن از کار، آزاد بودن از کار روزانه و هر گونه فرصت و مجال دیگر معنی شده است. به عبارت دیگر، معنای لغوی اوقات فراغت شامل فواصل زمانی روزمره خارج از انجام اعمال حیاتی و ضروری انسانی است که می‌تواند در جهت انجام امور دلخواه مورد استفاده گیرد. فراغت در اصطلاح، نوعی رهایی از وظایف جامعه، خانواده و مذهب است که برخلاف شغل، جنبه انتفاعی و کسب درآمد ندارد. البته نباید از توان، جایگاه و امکانات مالی و اقتصادی در اختیار افراد جامعه غفلت نمود، زیرا این موضوع از گذشته‌های دور مورد توجه صاحب‌نظران اجتماعی بوده است؛ آنچنان که سعدی علیه الرحمه در گلستان آورده است: «فراغت با فاقه نه پیوندد و جمعیت در تنگدستی صورت نیندد».

پژوهش تجربی درباره فراغت، در علوم اجتماعی، از دهه دوم قرن بیستم شروع شده به طوری که تعیین قانون هشت ساعت کار در روز و طرح مفاهیمی چون تمدن و جامعه فراغتی توجه و ساماندهی به اوقات فراغت را ضرورت بیشتری بخشید. در سال ۱۹۲۴ دفتر بین‌المللی کار نخستین نشست بین‌المللی را درباره وقت آزاد کارگران برپا کرد. در این نشست باور عموم شرکت‌کنندگان این بود که هر چه زمان کار کمتر شود، باید به فعالیت‌های اوقات فراغت نظم بیشتری داده شود. پژوهش‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷ در مورد فعالیت‌های اوقات فراغت، کار لوندبرگ در سال ۱۹۲۴ و نیز کتاب جماعت تنها اثر دیوید رایزمن در سال ۱۹۵۰ و کتاب فراغت در شهر نوشته دومازدیه در سال ۱۹۶۶، از جمله پژوهش‌هایی‌اند که ادبیات نظری و تجربی تازه‌ای را در علوم اجتماعی تولید نمودند و جامعه‌شناسی اوقات فراغت را غنای بیشتری بخشیدند. از دیدگاه دومازدیه، فراغت به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که از وظایف و الزامات رهاست و بدون اهداف مادی و اجتماعی و به گونه‌ای دلیلی بر اساس توانایی‌های بالقوه آدمی با آزادی انتخاب انجام می‌پذیرد. دومازدیه چهار نوع فعالیت را مطرح کرده است:

۱- کار برای امرای معاش ۲- تعهدات خانوادگی ۳- تعهدات فرهنگی - اجتماعی ۴- فعالیتی که موجب ابرز وجود و خودشکوفایی فردی است. به نظر او، گذران اوقات فراغت در برگیرنده مجموعه اشتغالاتی است که فرد با میل خود پس از فراغت از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان بپردازد، خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن و خواه برای مشارکت اجتماعی باشد.

دومازدیه سه کارکرد نیز برای ایام فراغت ذکر می‌کند:

۱. استراحت به منظور رفع خستگی و جبران خدمت جسمی و روانی ناشی از هیجانات مداوم کار.

۲. تفریح به منظور رفع خستگی ناشی از یکنواختی وظایف روزانه در کارگاه، اداره یا منزل.  
۳. رشد شخصیت، چون فراغت انسان را از کارهای روزمره و قابلیت‌های یکنواخت کاری و قالبی شدن امور ریزانه می‌رهاند، استعدادهای بدنی و ذهنی فرد را پرورش می‌دهد و از همین طریق در شکل‌گیری شخصیت فرد مؤثر خواهد شد. (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۰۳)

گفتنی است که کارکردهای فوق بیشتر ناظر به ابعاد روانی - اجتماعی است، در حالی که فراغت جمع‌گرایانه علاوه بر کارکردهای روانی از کارکردهای جمعی چون تقویت مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، جامعه‌پذیری و هویت اجتماعی نیز برخوردار است. در نتیجه، به سه کارکرد فوق باید کارکرد چهارمی نیز اضافه کرد که این کارکرد ربط و پیوند بین زمان فراغت و سرمایه اجتماعی را با صراحت و نمود بیشتری نشان می‌دهد و آن کارکرد ارتباطی و مشارکتی زمان فراغت است.

۴. کارکرد ارتباطی و مشارکتی فراغت، با فراهم کردن امکان و فرصت برقراری روابط خانوادگی، دوستانه، گروهی و حرفه‌ای به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کند، زمینه را برای انجام فعالیت‌های مشارکتی فراهم می‌سازد و مسئولیت‌پذیری و احساس تعهد اجتماعی را افزایش می‌دهد - هرچند که پنداشت و بهره‌گیری از زمان فراغت بیانگر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع است.

با توجه به خصلت جمع‌گرایانه، ارتباطی، تعاملی و مشارکتی زمان فراغت، پیوند و رابطه آن با سازه سرمایه اجتماعی - که مرکز ثقل آن را کم و کیف روابط اجتماعی تشکیل می‌دهد - برای دانشمندان اجتماعی و فرهنگی مهم تلقی می‌شود. توجه به کمیت و کیفیت روابط اجتماعی نزد نظریه‌پردازان اجتماعی قدمت زیادی دارد. دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های امروزی نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، بازتاب و بازنگری اندیشه‌ی بسیری از دانشمندان اجتماعی قرن نوزدهم و ارائه آن در قالبی جدید است. پورتس (Portes) قدرت نوآورانه و اکتشافی این مفهوم را در شکل تازه و جدیدش ناشی از دو چیز می‌داند: «نخست آنکه این مفهوم بر پیامدهای مثبت معاشرت‌پذیری (sociability) متمرکز است و ویژگی‌های کمتر جالب توجه آن را کنار می‌گذارد؛ دوم آنکه پیامدهای مثبت را در چارچوب فراخ‌تر بحث سرمایه جای می‌دهد و توجه را به این نکته جلب می‌کند که چطور چنین اشکال غیر پولی، درست مثل حجم دارایی‌ها یا حساب بانکی، می‌توانند سرچشمه‌های مهم قدرت و اثربخشی باشند. قابلیت کارکردی بالقوه منابع متنوع سرمایه، فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را می‌کاهد و هم‌زمان توجه سیاست‌گذاران را که به دنبال راه حل‌های کم‌هزینه و غیراقتصادی برای حل مسائل اجتماعی‌اند، جلب می‌کند.» (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: به نقل از پورتس، ۱۹۹۸)

در نظر پاتنام سرمایه اجتماعی، آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. (Putnam, 2000:89) همچنین، همکاری در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیر برخوردار است، آسان‌تر است. (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵) در نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی بر مبنای پیوندهای بین‌فردی، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای بدبستان و اعتماد حاصل از آنها تعریف شده است. (همان منبع) بر مبنای این تعریف، سرمایه اجتماعی به عنوان پدیده‌ای ساختاری (شبکه‌های اجتماعی) و فرهنگی (هنجارهای اجتماعی) شناخته می‌شود. دستاورد سرمایه اجتماعی این است که در نهایت از طریق مشارکت مداوم در شبکه به منظور افزایش فواید دو جانبه، پادش اقتصادی نیز به همراه دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی، ابزاری است که از طریق روابط و بیوستگی‌های اجتماعی، دسترسی به منابع را تسهیل می‌کند و در جوامع سرمایه‌داری، این پدیده به میزان بالایی دیده شده است.

بدین‌سان حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی است که می‌تواند به طرزی مؤثر بسیج کند - علاوه بر آنکه وابسته به حجم سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادینی است که در اختیار افرادی می‌باشد که وی با آنان مرتبط است. بنابراین سرمایه اجتماعی اگر چه به سرمایه اقتصادی و فرهنگی مورد تملک یک فرد، یا حتی مورد تملک کل مجموعه عملی که وی با آنها مرتبط است، نسبتاً تغیرناپذیر است، با این حال هرگز از این حجم مفروض کاملاً مستقل نیست. (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۸) بیکر (Baker) جوهره و خمیرمایه اصلی سرمایه اجتماعی را در قالب روابط و کنش متقابل بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورها مورد بررسی قرار داده است. به نظر بیکر، سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی‌اند اشاره دارد. این منابع شامل اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها، ظرفیت‌های کسب و کار، سرمایه مانی، قدرت، حمایت ساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری می‌شود. بدون شبکه‌هایی که به جوی ساخته و مدیریت شوند، این منابع مخفی باقی می‌مانند. همچنین، اگر ما به اسطوره‌های فردگرایی پناذ ببریم یا وانمود کنیم که صاحب مطلق سرنوشت خویش هستیم یا این که روابط اجتماعی هیچ اهمیتی برای ما ندارد، باز هم چهره این منابع ارزشمند، پوشیده خواهد ماند. حتی استعداد ذاتی، هوش، تعلیم و تربیت، تلاش و شانس به هیچ وجه مشخصه‌های فردی محسوب نمی‌شوند، بلکه تمام آنها از طریق روابط گروهی ما با دیگران توسعه یافته، شکل گرفته و آشکار می‌شوند. (بیکر، ۱۳۸۲: ۴۰) در نتیجه، سرمایه اجتماعی جوهره‌ای از علاقه خالصانه به دیگران و روابط صادقانه در خود دارد (همان: ۲۲۰) بدیهی است که با توجه به جوهره سرمایه اجتماعی و نیز محتوای زمان فراغت، پیوند بین این در سازه را می‌توان مورد بررسی و تعمق قرار داد. این پیوند عمدتاً صورت متعامل دارد که این



تعامل و ارتباط متقابل را در نقش زمان فراغت در بازآفرینی و تولید سرمایه اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی و نیز سهمی که سرمایه اجتماعی در تقویت فراغت جمع‌گرایانه دارد باید دید. افزون بر این، تأثیر اشکال مختلف سرمایه اجتماعی چون سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی را که بر مبنای شعاع روابط از یکدیگر تفکیک و مورد بازشناسی قرار گرفته‌اند، نباید نادیده گرفت. از این حیث می‌توان رابطه بین نوع فراغت و اشکال سرمایه اجتماعی را در قالب جدول زیر نشان داد:

جدول ۱: رابطه بین سرمایه اجتماعی و فراغت

| بین‌گروهی | درون‌گروهی | سرمایه            |
|-----------|------------|-------------------|
|           |            | اجتماعی فراغت     |
| ضعیف‌تر   | ضعیف       | فراغت شخصی شده    |
| شدیدتر    | شدید       | فراغت جمع‌گرایانه |

از طرفی، پیوند فراغت با سرمایه اجتماعی را می‌توان در قالب مکان سوم (third places) نیز مورد توجه قرار داد. مفهوم مکان سوم یا فضای عمومی برای تکنیک این مکان از منزل و محل کار به کار رفته است؛ مکان‌هایی که در آنها خدمات عمومی مربوط به فراغت عرضه می‌شود. نوع فضا و کم و کیف خدمات ارائه شده در این مکان‌ها در تولید سرمایه اجتماعی در مقیاس‌های خرد و کلان مؤثر است. وجود مکان‌های سوم یا فضای عمومی مناسب امکان حضور افراد جامعه را در این فضاها افزایش می‌دهد، تعاملات اجتماعی در مقیاس‌های درون‌گروهی و بین‌گروهی را تقویت می‌کند و ارتقای سرمایه اجتماعی در سطح خرد را به دنبال دارد. در عین حال به دلیل اینکه خدمات فراهم شده در این مکان‌ها و فضای عمومی حاصل سیاستگذاری عمومی است که معمولاً از جانب مقامات دولتی و غیردولتی صورت‌بندی می‌شوند، اعتماد به نهادهای عمومی و دولتی را تقویت می‌کند که مقوی سرمایه اجتماعی در مقیاس کلان است.

### زمان فراغت به مثابه داده‌ای برای سرمایه اجتماعی

زمان کار همان گونه که یک داده مهم برای تولید دارایی فیزیکی است، برای تولید سرمایه اجتماعی نیز داده‌ای مهم تلقی می‌شود. رابطه زمان با سرمایه اجتماعی ممکن است رابطه خطی نباشد و به واسطه تأثیرش بر داده‌هایی چون هنجارهای اجتماعی، هویت و مدیریت زمان در تولید سرمایه اجتماعی تأثیر خود را نشان دهد. اگر چه استعاره زمان به عنوان یک عامل تولیدی برای سرمایه اجتماعی از توافق همگانی برخوردار نیست، لیکن تأثیرگذاری عامل زمان را باید در

کم و کیف استفاده از زمان در اختیار دید. زمانی که صرف امور مربوط به تعامل با اعضای خانواده، دوستان، کسب اطلاعات، کمک متقابل، پاسداری و حفظ ارزش‌های فرهنگی مشترک، حمایت عاطفی و دیگر فعالیت‌های مدنی، مشارکتی و جمعی می‌شود، نقش به‌سزایی در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی دارد. با این دید، اگر سرمایه اجتماعی را به عنوان نوعی دارایی مورد توجه قرار دهیم و به قابلیت‌ها و بسترهایی که مولد درایی‌اند، نیز ببیندیشیم در این صورت نمی‌توان از نقش و تأثیر زمان در تولید درایی و سرمایه اجتماعی غفلت نمود. در نوشتارهای سرمایه اجتماعی، مفهوم زمان در اختیار (time available) به عنوان داده‌ای دیده شده که به توسعه سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. در قالب فعالیت مراقبتی در خانوار می‌توان به نظر کلمن (۱۹۸۸) اشاره نمود که مقدار و کیفیت زمان صرف شده برای بچه‌ها را در پیشرفت و عملکرد تحصیلی و در نهایت سرمایه انسانی آنها تأثیرگذار می‌داند. هال (۱۹۹۹) و پاتنام (۲۰۰۰) به زمان اختصاص یافته به عنوان کمک متقابل بین دوستان، همسایه‌ها و اعضای خانواده گسترده و نیز فعالیت در قالب انجمن‌های رسمی توجه کرده‌اند. به نظر آنها دید و بازدید متقابل بین دوستان و همسایه‌ها موجب تولید اعتماد و تعلق اجتماعی می‌شود.

زمان فراغت و تولید سرمایه اجتماعی، به واسطه بروز و وجود روابط بین نسلی در اوقات فراغت جمع‌گرایانه نیز موضوع قابل اعتنایی است. به نظر همینگوی، اوقات جمع‌گرایانه و بهره‌گیری مناسب از آن، زمانی که گروه‌های سنی مختلف را در بر می‌گیرد، ساز و کاری است که روابط بین نسلی (intergenerational) در اشکال محدود و گسترده خود را تقویت می‌کند که به سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (Hemingway, 1999) و بین‌نسلی کمک کنند.

پاتنام، تلویزیون را که یکی از منابع اصلی اوقات فراغت در آمریکاست، از عوامل تأثیرگذار در فرسایش‌اتصالات اجتماعی و کاهش‌دهنده فعالیت‌های مدنی می‌داند و این تأثیر در بین نسل جوان جامعه آمریکا از شدن و قوت بیشتری برخوردار است. در نیمه اول قرن بیستم در آمریکا فراغت با ویژگی جمع‌گرایانه (collective) که نمود آن در فعالیت‌هایی چون رفتن به سینما، نمایش‌های خیابانی تابستانی، ملاقات و نشست در تالارهای عمومی، رفتن به رستوران‌های محلی و غیره بود، به تدریج به فراغت فردی و خصوصی شده (privately) که به تماشای تلویزیون تحویل و تقلیل یافته تبدیل شد. پیام پاتنام در مقالانش در طول دهه ۱۹۹۰، پیامی ثابت بود: سرمایه اجتماعی آمریکا در حالت نزول قرار گرفته و عامل اصلی آن ظهور تلویزیون است. (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۴) یافته‌های پاتنام نشان می‌دهد که زنان شاغل تمام وقت در قیاس با زنان شاغل باره‌وقت زمان کمتری را صرف دید و بازدید از دیگران می‌کنند. (Putnam, 2000: 195) در نظر پاتنام، ساکنین شهرهای بزرگ از چیزی که او «جریمه مدنی پراکنده‌نشینی» (sprawl civic peddle) می‌نامد رنج می‌برند،



زیرا باید برای رفتن از جایی به جای دیگر، زمان زیادی را صرف کنند و بنابراین پیوندهایشان چندپاره تر می‌شود. (Ibid: 215) تعهد اجتماعی در شهرهای کوچک و نواحی روستایی هم کاهش یافته است؛ پاتنام تحرک شهری و پراکنده‌نشینی را هم مانند فشارهای زمان و پول، یک عامل فرعی می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که دو دلیل اصلی برای این مسئله یکی سرگرمی‌های الکترونیکی خانگی به ویژه تلویزیون و دیگری تغییر نسلی است. داده‌های پاتنام نشان می‌دهند که کسانی که خیلی تلویزیون تماشا می‌کنند، از زندگی مدنی بیرون افتاده‌اند و زمان کمی را با دوستان و یا حتی خانواده می‌گذرانند که این مسئله در مورد خانواده‌ها رو به افزایش است. (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۰) پاتنام به طور اخص، مقصر اصلی کاهش سرمایه اجتماعی در اجتماع آمریکا را تأثیر نامناسب تلویزیون می‌داند و به صراحت وابستگی به تلویزیون را به عنوان «پایدارترین پیش‌بینی‌کننده» مستقل معرفی می‌کند. (Ibid:230) پاتنام در سال بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، افزایش قابل ملاحظه در زمان صرف شده برای تماشای تلویزیون و کاهش در داشتن دوستان معاشرتی را خاطر نشان ساخت و نتیجه‌گیری کرد که آمریکایی‌ها به جای پیوستن به جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، بیشتر در لاک خود فرو رفته و خانه‌نشینی را اختیار نموده‌اند. او بر این باور است که تأثیر اسفناک تلویزیون بر سرمایه اجتماعی ناشی از سه دلیل است: (۱) زمانی که باید برای معاشرت مورد استفاده قرار گیرد، صرف خود افراد می‌شود و آنها را در خانه نگه می‌دارد؛ (۲) تلویزیون منفعل بودن و بی‌حالی را تشویق می‌کند؛ (۳) محتوای بیشتر برنامه‌های تلویزیونی ضد اجتماعی است. با اینکه به نظر می‌رسد افرادی که به طور منظم اخبار تلویزیونی را تماشا می‌کنند، دارای تعهد مدنی بیشتری نسبت به سایر افراد هستند، اما پیوستگی منفی مشخصی بین شهروندی فعال و تماشای منظم برنامه مسابقات تلویزیونی، گفتگوهای تلویزیونی و سریال‌ها وجود دارد. بدین ترتیب، باید در هر جا که تأثیر تلویزیون وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی در حال کاهش باشد (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۶۵). پاتنام علاوه بر تلویزیون، به دیگر رسانه‌های ارتباطی و نقش آنها در فرسایش سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند و به نظر او اینترنت فرصت‌های فراوانی را برای تفریحات خصوصی و انفعالی فراهم می‌آورد. (همان: ۱۷۰) اولین پیمایش کلانی که درباره استفاده از اینترنت در آلمان انجام شد، نشان داد که احتمال حضور کاربران افراطی در کلیسا، گروه‌های حقوق بشر و فعال در مسائل زیست - محیطی از غیر کاربران کمتر بوده، ولی احتمال حضور این افراد در فعالیت‌های سیاسی و ورزشی بیشتر است. کاربران آلمانی اینترنت به جای اینکه نسلی از تک‌افتاده‌های مجازی باشند، فقط نوع مشارکت‌شان با مشارکت افراد غیر کاربر متفاوت است. همچنین افراد غیر کاربر خانواده را به عنوان نهادی دارای اهمیت خاص ارزش گذاری می‌کنند، در صورتی که افراد کاربر کمتر چنین جایگاهی را برای خانواده قائل‌اند



و بیشتر تمایل دارند که به تنهایی زندگی کنند. کاربران کمتر از سایر افراد تلویزیون تماشا می‌کردند، زمان خواب‌شان کوتاه‌تر بود و بر این باور بودند که نسبت به افراد غیرکاربر، زمان کمتری صرف مطالعه کتاب می‌کنند، اما در حقیقت مشخص شد که چنین نیست؛ زیرا این افراد نسبت به دیگران زمان بیشتری را صرف مطالعه می‌کردند. سرانجام نویسنده این تحقیق چنین نتیجه‌گیری کرد که کاربران اینترنت در مجموع خودخواه‌تر و بی‌حوصله‌تر از غیر کاربران‌اند، اما نتوانست مشخص کند که کدام علت و کدام معلول است. (همان: ۱۷۱) بدین ترتیب هر چند که رابطه بین اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی به لحاظ نظری و تجربی مورد واکاوی قرار گرفته است و در این باره نوشتارهای قابل توجهی نیز وجود دارد، لیکن یافته‌های نظری به خصوص تجربی حاصل شده بر روابط فراگیر و پایدار دلالت ندارند و نمی‌توان به احکام قاطعی در مورد رابطه اشکال مختلف فراغت و سرمایه اجتماعی دست پیدا کرد - با این همه، نباید از وجود اجماع نظری و حتی تجربی درباره تأثیر و تعامل بین فراغت جمع‌گرایانه با سرمایه اجتماعی چشم‌پوشی کرد.

### گذران اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی

هر چند که رابطه بین گذران اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی نیازمند انجام بررسی‌های کمی و کیفی مستقلی است، اما در این مقاله با عنایت به بحث‌های نظری و تجربی مطرح شده و نیز داده‌های پیمایش کمی در اختیار که در سال ۱۳۸۳ توسط مرکز امور جوانان در ۲۰ مرکز استان کشور با حجم ۱۲۰۰۷ تولید شده است، با شیوه تحلیل ثانویه رابطه بین اشکال مختلف گذران اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی - با توجه به سه شاخصی که امکان ساخته شدن آنها از داده‌های مزبور فراهم بود - مورد بررسی آماری قرار گرفته است. سه شاخصی که برای سنجش سرمایه اجتماعی در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، عبارت‌اند از: اعتماد نهادی، مشارکت انجمنی و تعداد دوستان. اعتماد نهادی از ترکیب اعتماد و باور به موفقیت مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است. مشارکت انجمنی بر اساس تعداد انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی که فرد در آن عضویت داشته اندازه‌گیری شده است و تعداد دوستان نیز با طرح پرسش تعداد دوستان پسر و دختر (برای دو جنس پسر و دختر) سنجیده شده است. برای تعیین میانگین سه شاخص سرمایه اجتماعی برای مقوله‌های مربوط به هر کدام از فعالیت‌های فراغتی از فن آماری آنالیز واریانس استفاده شده است.

جدول ۲: میزان و رابطه فعالیت شخصی شده در زمان فراغت و سرمایه اجتماعی

| میانگین      |               |              | میزان            | نوع فعالیت در زمان فراغت |
|--------------|---------------|--------------|------------------|--------------------------|
| تعداد دوستان | مشارکت انجمنی | اعتماد نهادی |                  |                          |
| ۸/۷۳         | ۱/۲۶          | ۹۷/۶۴        | زیاد             | تماشای تلویزیون          |
| ۸/۴۳         | ۱/۳۷          | ۹۵/۸۳        | چند ساعت در هفته |                          |
| ۸/۲۳         | ۱/۳۶          | ۹۳/۲۹        | چند ساعت در ماه  |                          |
| ۸/۲۲         | ۱/۳۶          | ۹۶/۲         | به ندرت          |                          |
| ۱۰/۳۸        | ۱/۴           | ۹۲/۲۳        | اصلاً            |                          |
| ۸/۶۵         | ۱/۲۸          | ۹۷/۱۹        | کل               |                          |
| ۰/۵۹         | ۴/۳           | ۵/۳          | مقدار F          |                          |
| ۰/۶۷۳        | ۰/۰۰۲         | ۰/۰۰۰        | معناداری         |                          |
| ۹/۴۷         | ۱/۳۴          | ۹۶/۷۹        | زیاد             | تماشای فیلم‌های ویدئویی  |
| ۸/۱۶         | ۱/۲۴          | ۹۷/۰۷        | چند ساعت در هفته |                          |
| ۸/۴۱         | ۱/۳۳          | ۹۵/۳۸        | چند ساعت در ماه  |                          |
| ۸/۳۷         | ۱/۳۶          | ۹۷/۹۲        | به ندرت          |                          |
| ۸/۷۸         | ۱/۳۸          | ۹۹/۴۱        | اصلاً            |                          |
| ۸/۶۴         | ۱/۲۸          | ۹۷/۱۸        | کل               |                          |
| ۱/۶۹         | ۴/۵           | ۶/۹۶         | مقدار F          |                          |
| ۰/۱۵         | ۰/۰۰۱         | ۰/۰۰۰        | معناداری         |                          |
| ۱۰/۹۲        | ۱/۴۹          | ۹۵/۷۸        | زیاد             | استفاده از اینترنت       |
| ۸/۷          | ۱/۴۹          | ۹۵/۱         | چند ساعت در هفته |                          |
| ۸/۴۷         | ۱/۳۹          | ۹۵/۰۹        | چند ساعت در ماه  |                          |
| ۷/۹          | ۱/۴۲          | ۹۵/۹۲        | به ندرت          |                          |
| ۸/۰۶         | ۱/۱۴          | ۹۸/۶۵        | اصلاً            |                          |
| ۸/۶۴         | ۱/۲۸          | ۹۷/۱۶        | کل               |                          |
| ۶/۱۱         | ۲۰/۱۵         | ۱۵/۳۱        | مقدار F          |                          |
| ۰/۰۰۰        | ۰/۰۰۰         | ۰/۰۰۰        | معناداری         |                          |

|       |        |       |                  |                     |
|-------|--------|-------|------------------|---------------------|
| ۹/۵۴  | ۱/۴۸   | ۹۵/۷۸ | زیاد             | استفاده از کامپیوتر |
| ۹/۳۳  | ۱/۴۲   | ۹۵/۲  | چند ساعت در هفته |                     |
| ۸/۱۸  | ۱/۴۲   | ۹۶/۳۲ | چند ساعت در ماه  |                     |
| ۷/۶۳  | ۱/۳۳   | ۹۷/۰۱ | به ندرت          |                     |
| ۷/۹۳  | ۱/۰۸   | ۹۸/۸۹ | اصلاً            |                     |
| ۸/۶۵  | ۱/۲۸   | ۹۷/۱۸ | کل               |                     |
| ۳/۸   | ۵۵/۶۵  | ۱۳/۵۵ | مقدار F          | بازی های کامپیوتری  |
| ۰/۰۰۴ | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۰ | معناداری         |                     |
| ۱۰/۳۹ | ۱/۳۸   | ۹۷/۶۵ | زیاد             |                     |
| ۹/۱۶  | ۱/۴۳   | ۹۶/۸۲ | چند ساعت در هفته |                     |
| ۸/۰۵  | ۱/۳۵   | ۹۵/۷۸ | چند ساعت در ماه  |                     |
| ۹/۰۲  | ۱/۳۸   | ۹۶/۳۵ | به ندرت          |                     |
| ۷/۸۳  | ۱/۱۷   | ۹۷/۸۱ | اصلاً            |                     |
| ۸/۶۵  | ۱/۲۸   | ۹۷/۱۶ | کل               |                     |
| ۴/۴۷  | ۲/۱۴   | ۳/۳۸  | مقدار F          | گوش دادن به موسیقی  |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۹ | معناداری         |                     |
| ۹/۰۱  | ۱/۳۸   | ۹۵/۸۷ | زیاد             |                     |
| ۷/۹۳  | ۱/۲۸   | ۹۶/۹۲ | چند ساعت در هفته |                     |
| ۶/۹۳  | ۱/۳۷   | ۹۷/۵۱ | چند ساعت در ماه  |                     |
| ۷/۸۷  | ۱/۳۲   | ۹۹/۹۴ | به ندرت          |                     |
| ۱۱/۳۷ | ۱/۳۶   | ۹۹/۸۵ | اصلاً            |                     |
| ۸/۶۳  | ۱/۳۸   | ۹۷/۱۷ | کل               |                     |
| ۴/۱۷  | ۰/۴    | ۱۴/۳۳ | مقدار F          | یادگیری کارهای هنری |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۱۸۰۷ | ۰/۰۰۰ | معناداری         |                     |
| ۱۰/۸۶ | ۱/۴۵   | ۹۸/۸۲ | زیاد             |                     |
| ۷/۳۸  | ۱/۴۷   | ۹۸/۸  | چند ساعت در هفته |                     |
| ۸/۴۸  | ۱/۳۶   | ۹۶/۹۶ | چند ساعت در ماه  |                     |
| ۸/۰۲  | ۱/۳۱   | ۹۶/۸  | به ندرت          |                     |
| ۹/۲۷  | ۱/۰۴   | ۹۶/۳۶ | اصلاً            |                     |
| ۸/۶۴  | ۱/۲۸   | ۹۷/۱۴ | کل               |                     |
| ۵/۹۹  | ۴۳/۰۴  | ۴/۸۴  | مقدار F          | معناداری            |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰  | ۰/۰۰۱ |                  |                     |



|        |       |       |                  |                                |
|--------|-------|-------|------------------|--------------------------------|
| ۹/۰۸   | ۱/۵۴  | ۹۶/۹۳ | زیاد             | مطالعه کتاب،<br>روزنامه و مجله |
| ۸/۵۳   | ۱/۳۵  | ۹۸    | چند ساعت در هفته |                                |
| ۷/۹    | ۱/۲۲  | ۹۶/۵۸ | چند ساعت در ماه  |                                |
| ۸/۲۸   | ۱/۰۹  | ۹۷/۰۱ | به ندرت          |                                |
| ۱۰/۱۵  | ۰/۹   | ۹۶/۲۸ | اصلاً            |                                |
| ۸/۶۵   | ۱/۲۸  | ۹۷/۱۷ | کل               |                                |
| ۲/۵۷   | ۶۷/۱۴ | ۲/۱۶  | مقدار F          |                                |
| ۰/۰۳۶  | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۷۱ | معناداری         |                                |
| ۹/۳    | ۱/۴۲  | ۹۸/۶۹ | زیاد             | گوش دادن به<br>رادیو           |
| ۸/۶۲   | ۱/۴۳  | ۹۸/۴۲ | چند ساعت در هفته |                                |
| ۸/۳۷   | ۱/۴۴  | ۹۸/۲۷ | چند ساعت در ماه  |                                |
| ۸/۱۸   | ۱/۲۹  | ۹۷/۱۲ | به ندرت          |                                |
| ۸/۹۲   | ۱/۱۴  | ۹۵/۷۵ | اصلاً            |                                |
| ۸/۶۶   | ۱/۲۸  | ۹۷/۱۸ | کل               |                                |
| ۰/۱۸   | ۲۸/۱۵ | ۷/۵۱  | مقدار F          |                                |
| ۰/۱۵۲۳ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | معناداری         |                                |
| ۹/۴۸   | ۱/۰۵  | ۹۲/۳۵ | زیاد             | تماشای<br>ماهواره              |
| ۹/۳۱   | ۱/۲۸  | ۹۲/۹۸ | چند ساعت در هفته |                                |
| ۸/۱۵   | ۱/۲۲  | ۹۲/۴۷ | چند ساعت در ماه  |                                |
| ۸/۱۷   | ۱/۳۱  | ۹۳/۷۴ | به ندرت          |                                |
| ۸/۴۹   | ۱/۳   | ۹۸/۹۳ | اصلاً            |                                |
| ۸/۶۵   | ۱/۲۸  | ۹۷/۳  | کل               |                                |
| ۱/۱۵   | ۸/۸۷  | ۴۳/۵  | مقدار F          |                                |
| ۰/۳۲۹  | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | معناداری         |                                |

آماره‌های جدول ۲ نشان می‌دهند که میانگین اعتماد نهادی و مشارکت انجمنی بر حسب میزان تماشای تلویزیون در زمن فراغت در بین جوانان مورد مطالعه، تفاوت‌هایی دارد و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. جوانانی که در زمان فراغت وقت بیشتری را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند از اعتماد نهادی بیشتری برخوردارند، لیکن عکس این واقعیت در مشارکت انجمنی به چشم می‌خورد؛ جوانانی که وقت بیشتری را به تماشای تلویزیون تخصیص داده‌اند،

میانگین مشارکت انجمنی دارند - بین میزان تماشای تلویزیون در زمان فراغت و تعداد دوستان جوانان مورد بررسی رابطه معناداری وجود ندارد.

از سوی دیگر، بین میزان تماشای فیلم‌های ویدئویی و میزان اعتماد نهادی و مشارکت انجمنی نیز رابطه آثاری معناداری وجود دارد؛ چنان که با کاهش میزان تماشای فیلم‌های ویدئویی در زمان فراغت میزان میانگین اعتماد نهادی و مشارکت انجمنی افزایش می‌یابد. همچنین، بین میزان تماشای تلویزیون و تماشای فیلم‌های ویدئویی در زمان فراغت با میزان اعتماد نهادی جامعه مورد بررسی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان تماشای تلویزیون، میانگین میزان اعتماد نهادی نیز افزایش پیدا می‌کند، ولی با افزایش میزان تماشای فیلم‌های ویدئویی میانگین اعتماد نهادی کاهش می‌یابد. کسانی که تماشای تلویزیون در زمان فراغت را زیاد اعلام نموده‌اند دارای میانگین اعتماد نهادی ۱۶/۶۲ هستند و این میانگین برای کسانی که مقوله اصلاً را انتخاب نموده‌اند عدد ۹۲/۲۲ است. جوانانی که تماشای فیلم‌های ویدئویی در فراغت را زیاد و اصلاً اعلام نموده‌اند، میانگین اعتماد نهادی آنها به ترتیب ۹۶/۷۹ و ۹۹/۴۱ است که این وضعیت مربوط به ماهیت و دامنه اختبار و انتخاب جوانان می‌شود. هرچند که تماشای تلویزیون و تماشای فیلم‌های ویدئویی در قالب امور فراغتی شخصی شده قرار می‌گیرند، لیکن قدرت انتخاب بسیار محدودی را که در تماشای کانال‌ها و برنامه‌های تلویزیون در قیاس با تماشای فیلم‌های ویدئویی وجود دارد، نباید از نظر دور داشت. این مسئله در وضعیت شخصی بودن این دو رسانه تغییراتی را ایجاد می‌کند و به تبع آن در رابطه آنها با اعتماد نهادی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی، تفاوت مذکور دیده می‌شود. بین میزان تماشای فیلم‌های ویدئویی با تعداد دوستان جوانان مورد بررسی نیز رابطه معناداری وجود ندارد.

بین زمان صرف‌شده برای استفاده از اینترنت، کامپیوتر، بازی‌های کامپیوتری و یادگیری کارهای هنری با سه شاخص سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و نیز بین زمان صرف‌شده برای گوش دادن به رادیو و تماشای ماهواره با دو شاخص اعتماد نهادی و عضویت انجمنی رابطه معناداری وجود دارد. مطالعه کتاب با اعتماد نهادی رابطه معناداری ندارد، ولی با دو شاخص عضویت انجمنی و تعداد دوستان رابطه آماری معناداری را نشان می‌دهد. بین این دو مقوله با تعداد دوستان رابطه معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد. گوش دادن به موسیقی نیز با اعتماد نهادی و تعداد دوستان رابطه معناداری دارد، لیکن با عضویت انجمنی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. آمارها نشان می‌دهد که به میزانی که استفاده از اینترنت، کامپیوتر، بازی‌های کامپیوتری و گوش دادن به موسیقی و تماشای ماهواره کاهش می‌یابد، میانگین اعتماد نهادی افزایش پیدا می‌کند. در میان موارد مطرح شده برای گذراندن اوقات فراغت در شکل شخصی،

با افزایش گوش دادن به رادیو و یادگیری کارهای هنری میانگین اعتماد نهادی نیز افزایش را نشان می‌دهد. با افزایش استفاده از اینترنت، کامپیوتر، بازی‌های کامپیوتری و یادگیری کارهای هنری و مطالعه، میانگین عضویت انجمنی و تعداد دوستان افزایش می‌یابد. بین گوش دادن به رادیو، تماشای فیلم‌های ویدئویی و تماشای ماهواره با تعداد دوستان رابطه معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد.

جدول ۳: میزان و رابطه فعالیت جمع‌گرایانه در زمان فراغت و سرمایه اجتماعی

| میانگین      |               |              | میزان            | نوع فعالیت در زمان فراغت |
|--------------|---------------|--------------|------------------|--------------------------|
| تعداد دوستان | مشارکت انجمنی | اعتماد نهادی |                  |                          |
| ۱۰/۲۱        | ۱/۴۲          | ۹۷/۱۷        | زیاد             | معشرت با دوستان          |
| ۸/۴۲         | ۱/۳۳          | ۹۷/۱۴        | چند ساعت در هفته |                          |
| ۷/۳۸         | ۱/۲           | ۹۶/۹         | چند ساعت در ماه  |                          |
| ۶/۷۹         | ۱/۱۸          | ۹۶/۹۶        | به ندرت          |                          |
| ۷/۲۴         | ۰/۹۵          | ۹۹/۴۹        | اصلاً            |                          |
| ۸/۶۶         | ۱/۲۸          | ۹۷/۱۸        | کل               |                          |
| ۹/۵          | ۲۵/۳          | ۱/۶          | مقدار F          | معناداری                 |
| ۰/۰۰۰        | ۰/۰۰۰         | ۰/۱۷۸        |                  |                          |
| ۱۱/۲۵        | ۱/۳۴          | ۱۰۰/۳        | زیاد             | معشرت با اقوام           |
| ۸/۳۴         | ۱/۳           | ۹۸/۹۸        | چند ساعت در هفته |                          |
| ۸/۲          | ۱/۳           | ۹۶/۱         | چند ساعت در ماه  |                          |
| ۸/۵۶         | ۱/۲۷          | ۹۵/۳۷        | به ندرت          |                          |
| ۹/۹۸         | ۱/۰۸          | ۹۴/۹۲        | اصلاً            |                          |
| ۸/۶۲         | ۱/۲۸          | ۹۷/۱۷        | کل               |                          |
| ۳/۷          | ۴/۴           | ۱۷/۷         | مقدار F          | معناداری                 |
| ۰/۰۰۵        | ۰/۰۰۱         | ۰/۰۰۰        |                  |                          |



|       |        |        |                  |   |
|-------|--------|--------|------------------|---|
| ۱۶/۷  | ۱/۲۲   | ۱۰۹/۴۱ | زیاد             | رفتن به<br>سینما و تئاتر                |
| ۸/۲۴  | ۱/۴۴   | ۹۹/۷۴  | چند بار در هفته  |   |
| ۹/۶۴  | ۱/۳۳   | ۹۶/۶۷  | چند بار در ماه   |   |
| ۸/۲۸  | ۱/۳۴   | ۹۵/۸   | به ندرت          |   |
| ۸/۷۹  | ۱/۲۱   | ۹۸/۳   | اصلاً            |   |
| ۸/۶۶  | ۱/۲۸   | ۹۷/۱۷  | کل               |   |
| ۷/۱   | ۷/۹    | ۱۴/۳۴  | مقدار F          |   |
| -/۰۰۰ | -/۰۰۰  | -/۰۰۰  | معناداری         |   |
| ۱۳/۲۱ | ۱/۳    | ۱۰۱/۳۹ | زیاد             | رفتن به<br>پارک و مراکز<br>تفریحی       |
| ۸/۸۲  | ۱/۴۲   | ۱۰۰/۱۴ | چند ساعت در هفته |   |
| ۷/۸۸  | ۱/۳۵   | ۹۷     | چند ساعت در ماه  |   |
| ۸/۲۱  | ۱/۲۲   | ۹۶/۳۴  | بندرت            |   |
| ۱۰/۳۶ | ۱/۱۲   | ۹۶/۱۷  | اصلاً            |   |
| ۸/۶۶  | ۱/۳۸   | ۹۷/۱۸  | کل               |   |
| ۷/۱   | ۱۵/۱۴  | ۱۳/۵۴  | مقدار F          |   |
| -/۰۰۰ | -/۰۰۰  | -/۰۰۰  | معناداری         |   |
| ۹/۲۷  | ۱/۴    | ۱۱۱/۵۷ | زیاد             | رفتن به<br>سفرهای<br>سیاحتی و<br>زیارتی |
| ۷/۵۹  | ۱/۴۵   | ۱۰۰/۹۵ | چند بار در هفته  |   |
| ۹/۰۶  | ۱/۵۹   | ۹۸/۹۹  | چند بار در ماه   |   |
| ۸/۳   | ۱/۳۹   | ۹۶/۹۳  | به ندرت          |   |
| ۹/۰۴  | ۱/۰۲   | ۹۵/۷۸  | اصلاً            |   |
| ۸/۶۶  | ۱/۲۱   | ۹۷/۱۹  | کل               |   |
| ۸/۴۶  | ۴۴/۲   | ۱۵/۰۲  | مقدار F          |   |
| -/۰۰۰ | -/۰۰۰  | -/۰۰۰  | معناداری         |   |
| ۹/۴   | ۰/۹۶   | ۹۲/۶۶  | زیاد             | شرکت در<br>مجالس<br>مذهبی               |
| ۸/۲۴  | ۱/۱۲   | ۹۵     | چند بار در هفته  |   |
| ۷/۹۵  | ۱/۴۸   | ۹۹/۲۵  | چند بار در ماه   |   |
| ۸/۹   | ۱/۷۲   | ۱۰۱/۸۸ | به ندرت          |   |
| ۱۲/۹۸ | ۱/۷    | ۱۰۵/۸۷ | اصلاً            |   |
| ۸/۶۵  | ۱/۲۸   | ۹۷/۱۹  | کل               |   |
| ۰/۰۹  | ۰/۱۹   | ۰/۲    | مقدار F          |   |
| -/۰۰۸ | -/۰۰۲۸ | -/۰۰۳۹ | معناداری         |   |

|       |       |       |                 |                        |
|-------|-------|-------|-----------------|------------------------|
| ۹/۶۲  | ۱/۵۵  | ۱۰۰/۹ | زیاد            | ورزش                   |
| ۸/۷۳  | ۱/۴۵  | ۹۸    | چند بار در هفته |                        |
| ۸/۰۹  | ۱/۳۳  | ۹۴/۰۲ | چند بار در ماه  |                        |
| ۸/۰۴  | ۱/۱۲  | ۹۵/۷۹ | به ندرت         |                        |
| ۸/۵۴  | ۰/۹۱  | ۹۶/۷۴ | اصلاً           |                        |
| ۸/۶۵  | ۱/۲۸  | ۹۷/۱۹ | کل              |                        |
| ۲/۰۶  | ۸۸/۸۶ | ۲۹/۶۸ | مقدار F         |                        |
| ۰/۰۸۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | معناداری        |                        |
| ۱۲/۸۱ | ۱/۴۵  | ۹۹/۷۳ | زیاد            | میهمانی‌های<br>دوستانه |
| ۹/۱۳  | ۱/۳۲  | ۹۸/۵۸ | چند بار در هفته |                        |
| ۸/۵۵  | ۱/۳۷  | ۹۶/۰۸ | چند بار در ماه  |                        |
| ۷/۹۳  | ۱/۲۸  | ۹۶/۱۹ | به ندرت         |                        |
| ۸/۲۸  | ۱/۱۹  | ۹۹/۱۸ | اصلاً           |                        |
| ۸/۶۵  | ۱/۳۹  | ۹۷/۱۷ | کل              |                        |
| ۷/۴۶  | ۸/۴۶  | ۱۱/۸۹ | مقدار F         |                        |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | معناداری        |                        |

در جدول ۳، به آن بخش از فعالیت‌های فراغتی اشاره شده که در قیاس با مورد مطرح شده در جدول ۲ بیشتر خصلت جمع‌گرایانه دارند. تمامی موارد مطرح شده در جدول ۳ - به استثنای معاشرت با دوستان که با اعتماد نهادی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد - با هر سه شاخص سرمایه اجتماعی رابطه معنادار دارند. با افزایش معاشرت با دوستان در زمان فراغت، میانگین مشارکت انجمنی و تعداد دوستان افزایش می‌یابد. با افزایش معاشرت با اقوام، رفتن به سینما و تئاتر، رفتن به پارک و مراکز تفریحی، رفتن به سفرهای زیارتی و سیاحتی، پرداختن به ورزش و رفتن به میهمانی‌های دوستانه، میانگین‌های مربوط به سه شاخص سرمایه اجتماعی نیز افزوده می‌شود. با کاهش مشارکت در مجالس مذهبی، میانگین اعتماد نهادی و مشارکت انجمنی افزایش می‌یابد و در مورد تعداد دوستان، کسانی که شرکت در مجالس مذهبی را زیاد عنوان نموده‌اند، میانگین تعداد دوستان آنها ۹/۴ است و کسانی که عنوان داشته‌اند اصلاً در مجالس مذهبی شرکت نمی‌کنند، میانگین تعداد دوستان آنها ۱۲/۹۸ است.

در مجموع، میانگین نمرات سه شاخص سرمایه اجتماعی برای کسانی که در زمان فراغت خود بیشتر به فعالیت‌های جمع‌گرایانه می‌پردازند، در مقایسه با فعالیت‌های فراغتی شخصی و خصوصی ارقام بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین به رغم استثناهایی که در جامعه مورد بررسی به لحاظ تأثیر تلویزیون، رادیو و مجالس مذهبی وجود دارد، در مجموع یافته‌های

تجربی به دست آمده، با ادبیات نظری مطرح شده در مقاله دربره چگونگی رابطه زمن فراغت با سرمایه اجتماعی همخوانی دارد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و نقشی که سازه سرمایه اجتماعی، در شکل بین گروهی و جمعی آن، در طراوت، پویایی و گرمابخشی اجتماعی دارد، همواره باید مورد اعتنای کارگزاران اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه قرار گیرد. در میان ساز و کارهای مختلفی که می‌توانند مقوی این سازه باشند، فراغت در شکل جمع‌گرایانه آن یکی از مهم‌ترین‌هاست. هرچند که نباید از ارتباط متعامل بین این ساز و کار و سازه سرمایه اجتماعی غفلت نمود؛ زیرا در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی غنا و صورت مناسبی دارد، شکل‌گیری و بسط فعالیت‌های فراغتی جمع‌گرایانه امکان بروز و ظهور می‌یابد. ادبیات نظری و تجربی موضوع و نیز یافته‌های تجربی این مقاله نشان می‌دهد که فعالیت‌های فراغتی جمع‌گرایانه در ارتقای شاخص‌ها و مقوله‌های مربوط به سرمایه اجتماعی تأثیر قابل‌اعتنایی دارد. در نتیجه، با توجه به اینکه فراغت جمعی مقوی اعتماد بین‌شخصی، تعاون و همکاری متقابل، پیوند بین نسلی، پیوستگی و انسجام اجتماعی است و نیز در بازتولید حمایت اجتماعی، تولید اعتماد و نیز بده‌بستان و کمک متقابل تأثیرگذار است و به پایداری و حفظ سرمایه اجتماعی کمک می‌کند، سیاست‌گذاری اجتماعی باید در فراهم‌سازی بسترها، زمینه‌ها، فرصت‌ها و امکاناتی که به دسترسی آسان‌تر فعالیت‌های جمعی فراغتی می‌انجامد، تلاش بیشتری را مصروف دارد تا فعالیت‌های فراغتی بیشتر در صورت جمع‌گرایانه خود تداوم پیدا کنند و به جای اینکه افراد وقت خود را صرف فعالیت‌های فراغتی شخصی و خصوصی سازند، بیشتر حضور خود را در صحنه‌های متعامل اجتماعی حفظ و استمرار بخشند.

شهره شاکه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## پی‌نوشت

۱- پیداست که شاخص‌های سرمایه اجتماعی خیلی بیشتر از سه شاخص مطرح شده در این مقاله‌اند، اما به دلیل اینکه داده‌هایی غیر از سه شاخص یاد شده در اختیار نیست، به این سه شاخص اکتفا شده است.



۱. بوردیو، پیر (۱۳۸۴) «شکل‌های سرمایه». کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
  ۲. بیرو، آلن (۱۳۷۷) فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی. چاپ اول، تهران: کیهان
  ۳. بیکر، جی.اس (۱۳۸۲) سرمایه اجتماعی و مدیریت. مهدی الوانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
  ۴. پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی. محمدتقی دلفروز. تهران: سلام
  ۵. پاتنام، روبرت (۱۳۸۴) «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی». کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
  ۶. توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴) «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۶.
  ۷. غفاری، غلامرضا و ابراهیمی، لویه (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. تهران: آگرا
  ۸. فیلد، جان (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی. غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: کویر
  ۹. مرکز امور جوانان نهاد ریاست جمهوری (۱۳۸۳) طرح ملی نظرسنجی از جوانان.
- 10- Coleman, James (1988) "Social Capital in The Creation Human Capital". American Journal of sociology.
  - 11- Hall, peter (1999) "Social Capital in Britain". British Journal of politics. No. 29.
  - 12-Hemingway, oot (1999) "Leisure, Social Capital and Democratic Citizenship". Journal of leisure research. No. 31.
  - 13- Putnam, Robert (2000) **Bowling Alone: The Collapse and Revival**. American community New York: simon and Schuster.